

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### حکم مستقل عقل بر قاعده لا ضرر

عرض شد که قاعده لا ضرر بر طبق ارتکاز فطری و عقلی، مورد حکم مستقل عقل است و ملاک در این حکم عقل، همان قبح ظلم است و قبح ظلم یکی از مستقلات عقلیه است.

در باب مستقلات عقلیه، لولا وجود دلیل از طرف شارع، ما می‌توانیم بلکه باید ملتزم به مستقلات عقلیه شویم. من باب مثال در باب برائت عقلیه، لولا وجود دلیل از طرف شارع، ما می‌توانیم بلکه باید ملتزم به مستقلات عقلیه شویم. من باب مثال در باب برائت عقلیه، ملاک در حکم به برائت، قبح عقاب بلا بیان است<sup>۱</sup> و قبح عقاب بلا بیان، مسبب از قبح ظلم است، بنابراین عقاب بلا بیان هم قبیح است و لذا برائت عقلیه در احکام غیر موصولة به ما جاری می‌شود؛ چه عدم وصول از باب اجمال دلیل باشد یا تعارض دو دلیل باشد یا فقدان دلیل باشد.

همین‌طور در قاعده لا ضرر، چون ضرر از نقطه نظر حمل مصداقی برابر با ظلم است، بنابراین به مفاد قبح ظلم، قبح ضرر هم در اینجا جاری می‌شود؛ پس جزء مستقلات عقلیه به حساب می‌آید. هم‌چنین نه تنها اصل ضرر قبیح است، بلکه عدم جبران و عدم ما یتنّفی الضرر بوقوعه و وجوده هم خودش ضرر آخر است، فلذا آن هم ظلم است و دفع ظلم واجب است و ایتیان ظلم حرام است. بنابراین غرامتی که [پرداخت آن] مترتب بر ضرر می‌شود هم جزء مستقلات عقلیه است.

فعلی‌هذا در این قاعده مهم ما نیازی به ادله شرعیّه نداریم، بلکه ثبوت این قاعده عند العقل برای ترتب آثارش کفایت می‌کند. شاید این قاعده از نادرترین قواعدی باشد که ادله شرعی در بیان این قاعده، در مقام جعل نیستند بلکه در مقام حکایت‌اند.

بسیاری از قواعدی که داریم، از نقطه نظر شارع معمول است، یعنی عرف عقلاء بیانی در اثبات این قواعد

<sup>۱</sup> رجوع شود به الفوائد الحائریّة، محمدباقر بهبهانی، ص ۵۳؛ فرائد الأصول، ج ۱، ص ۳۳۵؛ کفایة الأصول، ص ۳۴۳؛ عنایة الأصول، ج ۴، ص ۵۹ - ۶۵.

ندارد، مثلاً قاعده «مَأْيُضَمَن بَصْحِيحِهِ يُضَمَن بِفَاسِدِهِ»<sup>۱</sup> یا قاعده «لَا حَرَجَ»<sup>۲</sup> و امثال ذلك قواعد شرعیّه‌ای هستند که شارع آنها را جعل کرده است؛ ولی بعضی از قواعد هست که جهت عرفی [و عقلائی] دارند، مثلاً قاعده «تَلَاَف: «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ»<sup>۳</sup> مستفاد از حکم عرف عقلاء است.

تلمیذ: آیا عرف بیانی در قاعده لا حرج ندارد؟

استاد: البتّه قاعده لا حرج هم تا حدودی این‌گونه است، امّا صحبت در موارد آن است که این موارد را شارع تعمیم داده یا تضييق کرده است؛ مثلاً قاعده «مَنْ أَتْلَفَ» به نحو کلی حکم عرف عقلاء است، اما قاعده «الطَّلَاقُ بَيِّدٌ مِّنْ أَخْذِ السَّاقِ»<sup>۴</sup> يك قاعده شرعی است که عرف، يك چنین قاعده‌ای را بیان نمی‌کند؛ ولی بسیاری از قواعد شرعیّه، از بناء عقلائیّه ناشی می‌شود که ملاکات این قواعد در بناءهای عقلاء وجود دارد و بعد شارع این قاعده را تعمیم داده یا تضييق کرده است. شاید بتوان گفت که تنها قاعده یا از آندر قواعدی که قطعاً عقل مستقلاً حکم به ثبوت آن قاعده می‌کند همین قاعده لا ضرر است.

### حکایي بودن ادله شرعی قاعده لا ضرر

وقتی که ما این را به لحاظ قبح ظلم و اینکه در ضرر ظلم است، از مستقلات عقلیّه گرفتیم، از این نقطه نظر می‌توانیم بگوییم که لسان شارع در قاعده لا ضرر حکایي است، نه لسان جعلی. البتّه اصل ضرر ظلم است و لسان آیات و روایات هم دالّ بر حرمت ظلم است<sup>۵</sup> و بحث ظلم و ضرر نوعی یا ضرر شخصی بعداً می‌آید.

### ثمرات عقلائی دانستن قاعده لا ضرر

این مطلب بعداً در آنجایی که می‌خواهیم معیار برای توسعه و تضييق در مجاری این قاعده را بگوییم،

<sup>۱</sup> رجوع شود به جامع المقاصد، ج ۵، ص ۱۳۲؛ ج ۶، ص ۳۲۴؛ مسالک الأفهام، ج ۳، ص ۱۵۴؛ ج ۱۲، ص ۱۷۴؛ کتاب المكاسب، شیخ انصاری، ج ۳، ص ۱۸۲؛ العناوین الفقهیّه، مراغی، ج ۱، ص ۳۰۳، العنوان العاشر فی قاعده نفي الضرر و الضرار؛ عوائد الأیام، ص ۴۳، عانده ۴: فی نفي الضرر و الضرار.

<sup>۲</sup> رجوع شود به حاشیه الوافی، بهبهانی، ص ۱۸؛ القواعد السنّه عشر، کاشف الغطاء، ص ۳۳؛ العناوین الفقهیّه، ص ۲۸۱، العنوان التاسع فی قاعده العسر و الحرج؛ عوائد الأیام، ص ۶۰ و ۱۷۳، عانده ۱۹ فی بیان قاعده نفي العسر و الحرج و المشقة.

<sup>۳</sup> رجوع شود به العناوین الفقهیّه، ج ۲، ص ۴۳۳، العنوان الثامن و العشرون: قاعده الضمان بالإتلاف؛ القواعد الفقهیّه، بجنوردی، ج ۲، ص ۲۳، قاعده الإتلاف.

<sup>۴</sup> عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۳۴؛ سنن الدار قطنی، ج ۴، ص ۲۴ و ۲۵، با قدری اختلاف؛ المعجم الكبير، طبرانی، ج ۱۱، ص ۲۳۹، با قدری اختلاف.

<sup>۵</sup> رجوع شود به کافی، ج ۲، ص ۳۳۰ - ۳۳۵، باب الظلم.

بسیار به درد ما می خورد. آیا در توسعه و تضييق این قاعده می توانیم به اختبار عقلائیّه تمسک کنیم یا باید دنبال ملاکات شرعیّه برویم؟ و در مواردی که ملاکات شرعیّه در تشخیص ضرر و مجرای این قاعده وجود ندارد باید به چه چیزی تمسک کنیم؟ این مطلب در آنجا به درد می خورد و به عبارت دیگر، از باب براعت استهلال باید عرض کنیم که وقتی این قاعده ثبوتاً جزء مستقلّات عقلیّه بود، تحدید در توسعه و تضييق آن هم بر عهده عقل است.

در مواردی که عقلاء در آن موارد، ضرر را تشخیص می دهند باید این قاعده را اجرا کرد. هم چنین در مواردی که عقلاء تشخیص نمی دهند، بلکه شارع تشخیص می دهد، از باب نقصان حکم عقل در موارد جزئیّه که بیان شارع، این خلل را کشف می کند، در آنجا هم باید براساس این قاعده حکم کرد. هم چنین در مواردی هم که شارع به مقتضای بناء عقلائیّه ساکت است باید به این قاعده تمسک کرد. بنابراین ما در اثبات این قاعده هیچ گونه نیازی به ادلّه شرعیّه از نقطه نظر فهم عرفی از آیات و روایات نداریم، بلکه صرف دلیل ما برای اثبات این قاعده بناء عقلائیّه است و این مطلب را تمام می کند.

تلمیذ: اگر عقلاء ساکت باشند آیا ما به این قاعده تمسک می کنیم؟

استاد: نه، اگر عقلاء در مجرای این قاعده ساکت باشند، یعنی در تشخیص ضرر ساکت هستند و ما دیگر نمی توانیم به این قاعده تمسک کنیم. فرض اجرای این قاعده در صورتی است که موضوع برای این قاعده مُحَرَز بشود و وقتی که ما در تحقّق موضوع شک کنیم، اجرای این قاعده از قبیل تمسک به عام در شبهه مصداقیّه می شود، که صحیح نیست. بنابراین آیاتی که علما در اینجا ذکر کرده اند، مثل آیه **﴿لَا تُضَارُّ وَوَلَدُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهَا بِوَلَدِهَا﴾**<sup>۱</sup> و یا آیه **﴿وَلَا تُضَارُّ وَهِنَّ لِنُضَيْفُوا عَلَيْهِنَّ﴾**<sup>۲</sup> و امثال ذلک، تمام این آیات، دلالت تأییدی دارد. ولی مهم تر از این آیات، آیاتی است که به مفاد قاعده لا ضرر است، مثل آیه **﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ﴾**<sup>۳</sup> چون گفتیم که از نقطه نظر مصداقی تفاوتی بین ظلم و ضرر نیست، کأنّ آن شخصی که تعدی به حقّ غیر می کند، دارد به او ضرری می زند. تعدی به حقّ غیر، از این نظر ظلم است که حقوق او از لوازم وجودی خود او است؛ لذا تعدی به حقوق زید، تعدی به خود زید تلقی می شود و تعدی به خود زید ظلم است، بنابراین تعدی به

<sup>۱</sup> سوره بقره (۲) آیه ۲۳۳. امام شناسی، ج ۱۱، ص ۱۹۸:

«هیچ مادری نباید در مورد بچه‌ای که زاییده است مورد ضرر واقع شود و هیچ پدری نیز نباید از ناحیه بچه‌اش مورد ضرر قرار گیرد.»

<sup>۲</sup> سوره طلاق (۶۵) آیه ۶. ترجمه:

«برای آنکه (زندگی را) بر ایشان تنگ گیرید به آنها زیان مرسانید.» (محقق)

<sup>۳</sup> سوره فصلت (۴۱) آیه ۴۶. امام شناسی، ج ۱۶ - ۱۷، ص ۵۷۲:

«و پروردگار تو آن چنان نیست که به بندگان خود ستم روا دارد.»

لوازم زید هم ظلم است.

﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ یعنی اگر بنده‌ای عبادت را از باب عدم بیان حکم و از باب فقدان دلیل ایتیان نکرد، شارع نمی‌تواند این بنده را به خاطر عدم ایتیان، أخذ بکند. معنای ﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ این است که اگر شخصی در مقام ناتوانی نتوانست عبادت و تکلیفی را انجام بدهد و ایتیان آن تکلیف از آن بنده متعذر بود، عقاب او ظلم است. هم‌چنین اگر بنده‌ای عملی انجام داد و بر این عمل باید این مقدار ثواب مترتب شود ولی شارع این ثواب را مترتب نکند، این ظلم است و آیه ﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ شامل آن می‌شود. در تمام این موارد اگر این حکمی که شارع بر این بنده مترتب کرده است، از نقطه نظر عقلی تعدی در شئون این عبد تلقی شود، این آیه ﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ شامل آن می‌شود.

﴿فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ﴾! مگر حجّت بالغه غیر از حکومت عقل در مقام استدلال است؟! مگر غیر از این است؟! تمام آیاتی که ظلم و ضرر و تعدی به حقّ غیر را حرام می‌داند<sup>۲</sup> - که ما به خاطر عدم اطاله و بداهت موضوع، آنها را ذکر نکردیم - از یک حکم مستقلّ عقلی و از بناء عقلاء بر اینکه دفع ظلم واجب است و خود ظلم حرام است، حاکی هستند. لذا چون ضرر ظلم است، بنابراین حرام است و غرامت و تاوان آن ضرر، واجب است. این یک بناء عقلانی است و از مستقلّات عقلیه است، و همه آیاتی که در این موضوع هستند حالت تأییدی دارند. لذا اصلاً اگر این آیات را هم نداشتیم باز فرقی نمی‌کرد.

بنابراین قاعده لا ضرر همچون قبح عقاب بلا بیان - که برائت عقلیه را در احکام اثبات می‌کند - جزء مستقلّات عقلیه است و یک قاعده در قبال بقیه قاعده‌ها است. إن شاء الله از جلسه بعد بحث درباره ادله روایی قاعده لا ضرر خواهد بود.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد

<sup>۱</sup> سوره أنعام (۶) آیه ۱۴۹. معاد شناسی، ج ۳، ص ۵۶: «حجّت و برهان بالغه اختصاص به خدا دارد.»

<sup>۲</sup> سوره بقره (۲) آیه ۱۹۰: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾.

سوره بقره (۲) آیه ۱۹۳: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ آنْتَهُوْا فَلَا عُدُوْنَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾.

سوره بقره (۲) آیه ۱۹۴: ﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ فَمَنْ أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾.

سوره بقره (۲) آیه ۲۳۱: ﴿وَلَا تَمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾.

سوره مائده (۵) آیه ۳۲: ﴿أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾.

سوره اسراء (۱۷) آیه ۳۳: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا﴾.